

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

نام درس

دستور زبان فارسي ۲

نام اثر: دستور زبان فارسي

مؤلف: دکتر حسن انوري

تعداد واحد : دو

سال تحصیلی : ۸۶ - ۸۵

تهیه کننده : دکتر نرگس محمدی بدر

هدف از یادگیری دستور زبان

□ درك متون ادب فارسي اعم از شعر و نثر

□ ادراك صحيح متن هاي معلق و داراي تعقيد هاي لفظي و معنوي

هدف از یادگیری دستور زبان :

- کسب معیار های لازم برای استنباط صحت و سقم آثار نویسندگان ، شعرا و محققان
- ویرایش متون از نقطه نظر دستور فارسی

الفبای فارسی

□ مجموع نشانه هایی که برای نشان دادن
آواهای هر زبان به کار می رود: **ا، ب، ...**

واج

□ هرکدام از آواهاي زبان را واج مي گويند.

□ از كوچك ترين واحد صوتي متمايز، يعني

كوچك ترين واحد صوتي اي كه مي تواند

تغيري در معنا ايجاد كند.

□ مثال: رود، زود

انواع واج

□ واج ها به دو دسته تقسیم می شوند :

□ صامت

□ مصوت

انواع واج

مصوت

صامت

صامت هاي زبان فارسي

□ صامت ها در زبان فارسي ۲۳ عدد هستند :

ء، ب، ت، ج، خ، د، ر، ز، س، ش، ف، ق، ك، ل، م، ن، و،
ي، ه .

□ براي برخي صامت ها چند نشانه به كار مي
بريم. مانند: س، ز و... .

مصوت

□ مصوت: آوایی است که با لرزش تار آواها از گلو بیرون می‌آید و هنگام ادای آن دهان گشاده می‌ماند .

□ مثال : آ، او، ای

مصوت

□ در زبان فارسي شش مصوت وجود دارد: مصوت هاي بلند ، مصوت هاي کوتاه :

□ آ ، او ، اي ، اَ ، اِ ، اُ ، اِ .

مصوت هاي بلند

□ مصوت بلند: آ، او، اي

مصوت هاي کوتاه

□ مصوت هاي کوتاه : اَ ، اِ ، اُ

مصوت مرکب

□ به مصوتي گفته مي شود که در حين ادای آن وضع اعضاي گفتار تغيير مي پذيرد، و بر اثر آن ، زنگ يعني ارتعاشات فرعي صوت نیز مختلف مي شود .

□ صدا از يك مصوت به سوي مصوت ديگر مي لغزد و مي توان آن را در حکم دو مصوت شمرد : **روشن، فرديسي**

جمله واقسام آن

□ جمله: کوچکترین واحد کلام که مفید معنی کامل باشد و آن مرکب است از مسند الیه و مسند و رابطه یا فعل.

□ مثال: بهرام دانا است

□ به عبارت دیگر: جمله یا مجموع چند کلمه است که بر روی هم پیام کاملی را برساند.

اجزای جمله

□ نهاد: کسی یا چیزی یا مفهومی است که کاری یا حالتی به آن نسبت داده می شود .

اجزاي جمله

□ گزاره: قسمتي از جمله است که حکمي را درباره ي نهاد بيان مي کند.

اقسام جمله

□ جمله بر دو قسم است: فعلی ، اسمی

□ جمله ممکن است به صورت يك كلمه بر زبان
بیاید

□ مثال: **بیا!**

گروه ، واژه

□ هر جمله از اجزای کوچکتری تشکیل شده است که می تواند واژه یا گروه باشد.

گروه ، واژه

□ چند واژه که حول يك محور جمع شده باشد را گروه گویند. مثال: **دانش آموزان کلاس پنجم آمدند**

□ **دانش آموزان : هسته / دانش آموزان کلاس پنجم**
گروه :

□ هر کدام از جزءهای هسته را واژه ای تشکیل می دهد. برخی از واژه ها نیز قابل تقسیم به اجزای کوچکتری هستند .

گروه ، واژه

□ هر کدام از جزءهاي هسته را واژه اي تشكيل مي دهد. برخي از واژه ها نيز قابل تقسيم به اجزاي كوچك تري هستند .

واژك

□ كوچكترين واحد زباني است كه داراي بار دستوري و معنایي باشد و نمي توان آن را به واحد كوچكترتي تقسيم كرد

□ مثال: تمرين

ارکان جمله

□ همه اجزای جمله از حیث نقش و ارزش، یکسان نیستند و در میان آن ها دو یا سه جزء هستند که ساختمان جمله روی آن ها استوار است و بی وجود آن ها ساختمان جمله فرو می ریزد .

جمله با فعل تام

□ فاعل

□ فعل

اجزای جمله با فعل ربطی

□ نهاد

□ مسند

□ فعل ربطی

□ مثال: مسعود با ادب است

جایگاه و ترکیب اجزای جمله

- نهاد، معمولاً در صدر جمله
- فعل، همیشه در آخر جمله می آیند، خواه فعل ربطی باشد یا تام
- مفعول، معمولاً پس از نهاد و پیش از فعل

جایگاه و ترکیب اجزای جمله

- متمم، پس از نهاد و پیش از مسند
- منادا، در آغاز جمله و پیش از نهاد می آید
- بدل، معمولاً پس از مبدل منه می آید

جایگاه و ترکیب اجزای جمله

□ تمیز، معمولاً پس از مفعول و پیش از فعل
می آید

□ مسند، پس از نهاد و پیش از فعل ربطی
جای دارد

□ مضاف الیه، معمولاً پس از مضاف می آید

جایگاه و ترکیب اجزای جمله

□ صفت بیانی، معمولاً پس از موصوف می آید

□ قید، معمولاً جای قید در اوایل جمله است
و پس از نهاد می آید

اقسام جمله بر اساس مفهوم



تقسیم جمله از حیث مفهوم و چگونگی بیان

□ جمله به اعتبار طرز بیان به ۴ دسته تقسیم می شود:

□ خبری ، پرسشی ، عاطفی ، امری

جمله خبري

- خبري: در آن از وقوع کار یا بودن حالتی به اثبات یا نفي خبر می دهیم .
- مثال: مسعود آمد .

جمله پرسشي

□ پرسشي: که در آن درباره امري پرسش
به عمل کوچکتري .

□ مثال : حال شما چطور است ؟

جمله عاطفي

□ جمله عاطفي : که با يکي از عواطف خود
از قبيل تعجب، تمني، خشم... را بيان مي
کنيم.

□ مثال : **عجب گل قشنگي**

جمله امري

□ امري : که در آن انجام دادن کاري يا داشتن و پذيرفتن صفت و حالي به اثبات يا منفي طلب مي شود.

□ مثال : لطفا دفتري را بيار .

جمله شرطی

□ جمله شرطی: که با دو فعل ساخته و شرطی را بیان می کند .

□ مثال : اگر بیاید ما هم می آییم .

جمله مستقیم

□ مستقیم: جمله است که در آن اجزای کلام، نظم طبیعی و ترکیب مستقیم خود را داشته باشد.

□ مثال: محسن دیروز کتابی به من داد .

جمله غير مستقيم

□ غير مستقيم: جمله اي است كه در آن اجزاي كلام، نظم طبيعي و آيين تركيب اجزا و ارکان به هم خورده باشد.

□ مثال: باز برگردم به تاريخ

جمله فعلي

- جمله فعلي: به جمله اي مي گويند كه از نهاد و فعل تام ساخته شده باشد: نهاد ، گزاره
- مثال : **سيب رسيد** .

جمله بي فعل

□ جمله بي فعل : به جمله اي مي گویند که در ظاهر فعل ندارد فعل آن در ژرف ساخت يعني در تقدیر و در نیت گوینده باشد.

□ مثال: ایستادن ممنوع.

جمله اسنادي

- جمله اسنادي: به جمله اي مي گویند که از نهاد ، مسند و فعل ربطي ساخته شده باشد.
- مثال: هوا سرد است.

جمله ساده

□ ساده: جمله ای است که در آن تنها يك فعل به کار رفته باشد.

□ مثال: **علي آمد**.

جمله مستقل

□ جمله مستقل: به تنهایی مفهوم روشن و کاملی دارد.

□ مثال: آزادی بزرگترین نعمت هاست.

جمله ناقص

□ جمله ناقص: به تنهایی مفهوم روشن و رسایی ندارد.

□ مثال: اگر وقت داشتم

جمله مثبت

□ مثبت: وقوع امري يا داشتن حالي را خبر مي دهد .

□ مثال : مریم درس می خواند .

□ مثال : کتاب را بر دار .

جمله منفي

□ منفي: وقوع امري يا داشتن حالي را نفي مي کند .

□ مثال : **مریم درس نمی خواند .**

جمله معترضه

□ در ضمن جمله اصلي مي آيد و مفهومي يا نکته اي را توضيح مي دهد كه اگرآن را حذف كنيم خللي در معني و مفهوم جمله اصلي پديد نمي آيد.

□ مثال : استادم — رحمه الله — مرد كريمي بود .

□ مثال : بيهقي ، خدا بيامر زداو را ، مرد فاضلي بود .

جمله مرکب

□ جمله هایی هستند که معنی آن ها با يك فعل تمام نمی شوند و برای آن که معنی کاملی را برسانند به چندین فعل نیاز دارند، این گونه جمله ها را که از چندین قسمت تشکیل شده اند جمله مرکب می نامند .

اجزای جمله مرکب

□ پایه : آن قسمت از جمله مرکب که غالباً
غرض اصلی را در بر دارد .

□ مثال : تا شیر را باز کردم آب فوران کرد .

پایه

اجزاي جمله مركب

□ پیرو : آن قسمت که همراه جمله ی پایه می

آید و وابسته ی آن است .

□ مثال : تا شیر را باز کردم آب فوران کرد .

پیرو

ساختمان فعل هاي ساده

□ فعلی است که مصدر آن از بن ماضی + ن که نشانه مصدر است ساخته می شود.

□ فعل ساده فعلی است که بن مضارع آن يك وازك باشد، یعنی قابل تقسیم به اجزای دیگر نباشد.

□ مثال: نال، خور از مصدر نالیدن و خوردن

ساختمان فعل هاي ساده

□ فعل هاي ساده پس از حذف “ن” از مصدر
بن ماضي باقي مي ماند و از جهت تبيري كه
از بن ماضي به بن مضارع انجام مي گيرد
مي تواند به ۸ گروه تقسيم شود.

گروه اول

□ فعل هایی هستند که مصدر آن ها به " - یدن " ختم می شود

□ مثال: آرمیدن - آرمید - آرام

□ مثال: آرزیدن - آرزید - آرز

گروه دوم

□ فعل هایی هستند که مصدر آن ها به " - دن " ختم می شود.

□ مثال: راندن-رانی-ران

□ مثال: ماندن-ماند-مان

گروه سوم

□ فعل هایی هستند که مصدر آن ها به "ودن" ختم می شود

□ مثال: آسودن- آسود- آسا

□ مثال: بخشودن- بخشود- بخشا

گروه چهارم

□ فعل هایی هستند که مصدر آنها به " - ادن " ختم می شود.

□ مثال: افتادن - افتاد - افت

□ مثال: نهادن - نهاد - نه

گروه پنجم

□ فعل هایی هستند که مصدر آنها به " - ختن " ختم می شود

□ مثال: آموختن - آموخت - آموز

□ مثال: انداختن - انداخت - انداز

گروه ششم

□ فعل هایی هستند که مصدر آنها به " - ستن " ختم می شود.

□ مثال: پیراستن - پیراست - پیراس

□ مثال: دانستن - دانست - دان

گروه هفتم

□ فعل هایی هستند که مصدر آنها به " - شتن " ختم می شود.

□ مثال: انباشتن - انباشت - انبار

□ مثال: نکاشتن - نکاشت - نکار

گروه هشتم

□ فعل هایی هستند که مصدر آنها به "فتن" ختم می شود.

□ مثال: شتافتن - شتافت - شتاب

□ مثال: یافتن - یافت - یاب

فعل هاي چند شكلي

□ بن ماضي برخي از فعل ها به چند شکل به کار مي رود، در نتيجه مصدر آنها نيز که از بن ماضي ساخته مي شود، چند گونه است. در حالي که بن مضارع آنها اغلب واحد است

مثال فعل هاي چند شكلي

□ مثال: افراشتن (مصدر)، افراشت (بن ماضي)

□ مثال: افراختن (مصدر)، افراخت (بن ماضي)

□ بن مضارع: افراز

فعل مرکب

□ فعلی است که از ترکیب صفت یا اسم با يك فعل ساده به دست می آید و مجموعاً يك معنی را می رساند .

□ مثال: زمین خوردن

همکرد

□ فعل ساده اي که با آن فعل مرکب مي سازند.

□ مثال: ساختن، خوردن

فعل لحظه اي

□ فعل لحظه اي فعلي است که جريان يا امتداد
عمل يا حالت را کوتاه و لحظه اي و به
صورت شروع نشان مي دهد .

□ مثال: افتادن

فعل تداومي

□ فعل تداومي فعلي است که جریان یا امتداد عمل یا حالت را با تداوم بیان می کند، ابتدا و انتهای آن مورد نظر نیست

□ مثال: هوا نسبتاً گرم است

رابطه فعل با حرف اضافه

□ برخی از فعل ها با حرف اضافه خاصی به کار می روند، ارتباط این قبیل فعل ها با حرف اضافه اغلب امری صوری است .

رابطه فعل با حرف اضافه

□ طبیعت زبانی فعل و حالت کاربرد فعل است
که حرف اضافه خاصی را به همراه می
آورد.

□ مثال: کمک کردن به کسی ، پرسیدن از کسی

زمان دستوري

□ مراد از زمان دستوري نامي است كه فعل ها با آن ناميده مي شوند .

□ مثال : **اگر مي دانستم مي گفتم** : (اشاره به حال دارد) اما زمان دستوري : ماضي ساده

زمان تقويمي

- همان زمان اصلي است ، که در آن گذر لحظه ها و آنات را درك مي كنيم .
- به حال ، گذشته و آینده تقسيم مي شود .

موارد کاربرد ماضي ساده

- بيان فعل در زمان گذشته
- بيان فعل در زمان حال و آينده
- به جاي ماضي استمراري در “بودن و داشتن” .
- مثال : سال ها بود كه او را ندیده بودم .

موارد کاربرد ماضي ساده

□ در ماضي ملموس از مصدر داشتن به عنوان فعل معين

□ مثال : داشتم مي رفتم .

□ در ماضي بعید از مصدر بودن به عنوان فعل معين

□ مثال : رفته بودم

مهم ترین موارد کاربرد ماضی نقلی

□ در تقابل با ماضی مطلق در افعالی مثل شنیدن و فهمیدن

□ مثال : شنیدم که نامه را نوشته و توی پاکت گذاشته است .

مهم ترین موارد کاربرد ماضی نقلی

□ بیان فعلی که در گذشته شروع شده و هنوز ادامه دارد .

□ مثال : مسافران در راه توقف کردند .

مهم ترین موارد کاربرد ماضی نقلی

- بیان فعلی که در گذشته اتفاق افتاده و اثر آن تا حال باقی مانده است .
- فعلی که منفی است اما احتمال وقوع آن می رود .
- مثال : **علی رفته و هنوز برنگشته است .**

مهم ترین موارد کاربرد ماضی نقلی

□ به جای ماضی التزامی

□ مثال : احتمالاً سعید به خانه رفته است
(رفته باشد)

□ در ماضی مأموس نقلی از مصدر “
داشتن” به عنوان فعل معین

□ مثال : داشته می رفته است .

مهم ترین موارد کاربرد ماضی استمراری

□ در ماضی ابعداً از مصدر “بودن” به عنوان فعل معین

□ مثال: **رفته بوده است** .



مهم ترین موارد کاربرد ماضی استمراری

□ بیان فعلی که در گذشته استمرار و ادامه داشته است .

□ مثال : آب بعد از آن که به این حوض ها می رسید جاری شده بیرون می رفت .

مهم ترین موارد کاربرد ماضی استمراری

- بیان فعلی که در گذشته چند بار تکرار شده است .
- مثال : می نوشتم و امضا می کردم و می رفتم .
- بیان عادت در گذشته
- مثال : پدرم سال ها سیکار می کشیدولی در آخر ترک کرد .

مهم ترین موارد کاربرد ماضی استمراری

□ بیان فعلی که در زمان وقوع آن فعل

دیگری نیز واقع شده است .

□ به جای مضارع التزامی

مهم ترین موارد کاربرد ماضي استمراري

□ به جاي فعل التزامي همراه با بيان شرط ،
آرزو و... .

□ مثال : ديروز به ديدار علي رفتم كاش سعيد
هم مي آمد . (همراه آرزو)

ماضي نقلي مستمر

□ ماضي نقلي مستمر در جايي به كار مي رود
که جمع ميان موارد استعمال ماضي نقلي و
ماضي استمراري باشد.

□ مثال : کره زمین به چهار بخش تقسیم می
کرده است

مهم ترین موارد کاربرد ماضی بعید

□ بیان فعلی که در گذشته دور اتفاق افتاده است .

□ بیان فعلی که پیشتر از فعل دیگر اتفاق افتاده است .

□ مثال : سیمین کارش را تمام کرده بود که سعید رسید .

ماضي ابعـد

□ براي بيان وقوع فعلي كه در گذشته دورتر اتفاق افتاده وبه طريق نقل حكايت گفته مي شود به كار مي رود .

□ مثال : در كشتي زوجه استاد محمد علي نا خوش شده بود و دكتر به معالجه او مي پرداخته است .

مهم ترین موارد کاربرد ماضی ملموس

□ ماضی ملموس فعل در اشرف اتفاق افتادن یا در حال اتفاق افتادن در گذشته نشان می دهد .

□ مثال : داشتم ناهار می خوردم که علی آمد .

ماضي ملموس نقلي

□ ماضي ملموس نقلي از ماضي نقلي “ داشتن
”و ماضي نقلي فعل اصلي ساخته مي شود .

□ مثال : داشته مي رفته كه زمين مي خورد .

مهم ترین موارد کاربرد مضارع اخباری

- بیان فعل در زمان حال
- مثال : کجا می روی ؟ به کتابخانه می روم .
- بیان افعالی که پیوسته در حال رخ دادن هستند .
- مثال : گیاهان می رویند .
- بیان افعالی که عادت و تکرار را می رساند .
- مثال : هر روز کتاب می خواند .

مهم ترین موارد کاربرد مضارع اخباری

- بیان شرط و جزای شرط
- در نقل داستان یا خبر به جای ماضی
- مثال : ملت گاندي رامقدس مي داند .
- برای شروع نقل قول
- مثال : نقل مي کنندکه....

مهم ترین موارد کاربرد مضارع التزامی

□ بیان وقوع فعل همراه شك و تردید

□ مثال: شاید امروز سعید به خانه ما بیاید .

□ بیان وقوع فعل همراه با آرزو و تمنا

□ مثال : کاش امروز سعید به خانه ما بیاید .

مهم ترین موارد کاربرد مضارع التزامی

- در شرط
- مثال : اگر تو بیای من هم می آیم .
- در جزای شرط
- مثال : اگر تو می آیی من بیایم .
- بعد از فعل هایی که بر لزوم و تمکن دلالت دارد .
- مثال : باید بروم .

مضارع ساده

- فعل مضارع که بدون “می” و “ب” به کار رود را مضارع ساده گویند .
- مثال : گویند از دلداری بگذر .

مهم ترین موارد کاربرد مستقبل

- برای بیان وقوع فعل در زمان آینده
- مثال : هفته آینده به باغ خواهیم رفت .
- در جمله پیرو برای بیان جزای شرط
- مثال : اگر به دانشگاه بروید من هم خواهم آمد .

فعل هاي معين وربطي

□ فعل هاي "است" و مشتقات آن، "بودن" ، "گشتن" ، "شدن" و "باشيدن" فعل معين هستند .

فعل هاي معين وربطي

□ “است”، در صرف ماضي نقلي از اين فعل استفاده مي كنيم . “ام” و

□ بودن: در صرف ماضي بعيد و بعد از آن استفاده مي شود . دیده بودم

فعل هاي معين وربطي

□ باشيدن: در صرف ماضي التزامي استفاده مي كنيم.

□ شدن: در صرف فعل هاي مجهول استفاده مي كنيم و به صورت فعل ربطي نيز به كار مي رود.

□ گشتن / گرديدن: گاهي به جاي فعل هاي ربطي به كار مي روند.

فعل بیان خواب

□ در قدیم در نقل حوادثی که در رویا می دیدند از فعلی استفاده می کردند که به “ی” ختم می شد.

□ مثال:

دیدم به خواب که دوش ماهی برآمدی
کز عکس هجران روی شب هجران سرآمدی

فعل هايي كه تميز مي گيرند

□ فعل هايي هستند كه تنها با فاعل و مفعول و متمم نمي توانند جمله بسازند بلكه كلمه ديگري نيز بايد آورد تا معنای آن را تمام کند و جمله اي كه ساخته مي شود داراي مفهوم باشد

□ فعل هايي كه برآگاهي و يقين دلالت مي كنند: دانستن ، ديدن ، شمردن ، يافتن و... .

رو ساخت و ژرف ساخت جمله

□ رو ساخت آن جزيي است که به زبان مي آوريم

□ ژرف ساخت آن جزيي است که در ذهن سخن گوي جاي دارد

□ مثال: مي توانيد برويد ، شما دانش آموزان مي توانيد برويد

تتازع

- کتابي که تو خريده اي به اين قيمت نمي ارزد.
- مفعول ونهاد در هم ادغام شده اند، يعني کتاب هم مفعول است هم نهاد و دو فعل بر سر يك كلمه به نزاع پرداخته اند.
- واژه کتاب را که براي يك فعل، مفعول و براي فعل ديگر نهاد است "متتازع فيه" يا "مشترك" مي گويند.

حذف

□ حذف گاهي بنا به عرف زبان است. بدین معنی که اهل زبان در مواردی از روی عرف و سنت ، عناصری از زبان را به صورت کلیشه ای با حذف مقداری از واژگان آن به کار می برند و گاهی بنا به قرینه است و قرینه هم یا لفظی است یا معنوی:

□ الف) عرف زبان: صبح به خیر

□ ب) حذف به قرینه لفظی

حذف فعل

□ در پاره ای از جملات برای رعایت اختصار یا به حکم ساختمان جمله و عرف زبان، فعل حذف می شود یا جمله اصلا فعلی ندارد.

انواع حذف فعل

□ جمله هایی که در تعارف و دعا و نفرین
وامثال آنها به کار می رود. مثال : **درود**

□ جمله هایی که با ضمیر پرسشی “کو” می
آیند و فعل نمی گیرند. مثال : **احمد کو؟**

انواع حذف فعل

□ مثال ها و ضرب المثل ها: روز از نو روزي
از نو

□ برخي از جمله هاي پرسشي: چه خبر؟

□ برخي از جمله هاي تعجبي: چه عجب!

حذف نهاد

- نهاد يکي از دو يا سه رکن جمله است و بي وجود آن جمله ، کامل نيست .
- نهاد در مواردی حذف مي شود .
- هر گاه دو يا چند جمله پيوسته ، داراي نهاد واحدی باشند نهاد معمولاً تنها در جمله اول مي آيد .

حذف مسند

□ معمولاً همراه فعل ربطی و دیگر وابسته های خود حذف می شود

□ مثال: که مریض است؟ علی

حذف مفعول

□ مفعول به ندرت به تنهائي حذف مي شود و اغلب همراه حرف نشانه و ديگر اجزاي جمله حذف مي شود .

□ مثال : که انگليسي مي داند؟ من مي دانم .

حذف در محاوره

□ می رم خونه. (می روم خانه)

حذف متمم

□ متمم نیز معمولاً همراه حرف اضافه و گاهی با اجزای دیگر جمله حذف می شود.

□ مثال: که کتاب من را به شما داد؟ محسن

حذف حرف ربط

□ حروف ربط نیز گاهی در جمله حذف می شود

□ مثال: می پرسی چه طور شد مرد سیاسی شدم؟

□ یعنی: می پرسی چه طور شد که مرد سیاسی شدم؟

حذف اجزای دیگر جمله

□ اجزای دیگر از قبیل قید، صفت، مضاف الیه ، معمولاً همراه سایر اجزا و ارکان حذف می شود.

□ مثال: احمد دیروز مداد قرمز مرا برداشت و برد.

اضافه

□ اضافه آن است که اسمي را به اسم ديگري نسبت دهيم. نشانه نسبت كسره اي است كه ميآن دو مي آيد.

□ مثال: **مدادِ حسن، خانه ي علي**

اقسام اضافہ

□ اضافہ تخصیصی

□ اضافہ ملکی

□ اضافہ تشبیہی

□ اضافہ استعاری

اقسام اضافہ

□ اضافہ توضیحی

□ اضافہ بیانی

□ اضافہ مقارنت

□ اضافہ بنوت

اقسام اضافہ



اضافه تخصیصی

□ تخصیصی: در این نوع از اضافه، مضاف به مضاف الیه اختصاص دارد.

□ مثال : در اطاق

اضافه ملكي

□ اضافه ملكي: در اين نوع از اضافه، ميان مضاف و مضاف اليه رابطه مالك و ملك بر قرار است .

□ مثال : صاحب باغ

اضافه تشبیهی

□ اضافه تشبیهی : در این اضافه میان مضاف و مضاف الیه رابطه شباهت برقرار است.

□ مثال : قد سرو

اضافه استعاري

□ اضافه استعاري: در اين نوع از اضافه،
مضاف در غير از معني حقيقي خود استعمال
شده باشد.

□ مثال: دست روزگار

اضافه توضیحي

□ توضیحي: در این نوع از اضافه، مضاف اسم عام است و مضاف الیه نام مضاف را بیان می کند.

□ مثال : شهر شیراز

اضافه بیانی

□ اضافه بیانی: آن است که مضاف الیه جنس مضاف را بیان کند.

□ مثال: **ظرف مس**

اضافه مقارنت

□ اضافه مقارنت : در این نوع از اضافه، میان مضاف و مضاف الیه معنی مقارنت و همراهی است.

□ مثال: با پای ارادت به خدمتتان رسیدم

اضافه بنوت

□ اضافه بنوت: در آن ، اسم فرزند بر پدر یا مادر افزوده مي شود.

□ مثال : **سام نريمان**

نکته هایی درباره حروف

□ باز: “باز” با زاء مکسور به معنی “به سوی”، “به جانب”:

□ مثال:

□ بدن خستگی باز جنگ آمدند

گرازان بسان پلنگ آمدند

نکته هایی درباره حروف

□ بیش: با کسره شین ، حرف اضافه است و به معانی گوناگون به کار می رود:

□ نزد: **بگفتند پیش یکایک مهان**

سخن های شاهان و گشت جهان

□ در برابر: **جهان دار پیش جهان آفرین**

نیایش همی کرد و خواند آفرین

نکته هایی درباره حروف

□ بر: با راء مکسور حرف اضافه است به معنی "به"، "بیش" و "در برابر".

□ مثال: یکی نامه فرمود پس شهریار

نیشتن بر رستم نام دار

نکته هایی درباره حروف

□ **دون** : حرف اضافه ای است برای استثناء ،
به معنی “ جز ” ، “ غیر ” .

□ **مثال** : **سواری را هزار دینار رسیده و هر پیاده
را هزار دینار ، دون دیگر هیچ**

نکته هایی درباره حروف (را)

□ را: به عنوان نشانه مفعول به کار می رود و معمولاً مفعولی که با “را” می آید معرفی است.

□ را ، گاهی حرف اضافه است

□ را به معنی از

□ مثال : قضا را درآمد یکی خشکسال

نکته هایی درباره حروف (را)

□ را ، به معنی به : یکی را از دوستان گفتم

□ را ، به معنی برای .

□ مثال : حسن خلقي ز خدا مي طلبم خوي تو

را

نکته هايي درباره حروف(را)

□ را ،به معني در: اين نوع اغلب براي بيان وقت و زمان مي آيد

□ مثال : سر هفته را كرد آهنگ ري .

نکته هایی درباره حروف (را)

□ را، به معنی در برابر: پیراهن صبر پوشیده
ام که محنت را هیچ چیزی چون صبر نیست.
□ نشانه اضافه:

□ مثال : ای مرغ سحر عشق ز پروانه پیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

نکته هایی درباره حروف

□ فا: حرف اضافه و به معنی "به" و "بر"

جز آنها است .

□ مثال : دل فا زبان گوید .

نکته هایی درباره حروف

□ فراز: حرف اضافه و به معنی “به” و
“بر”.

□ مثال: زان یال زر بر یک بیل نر نشاند.

نکته هایی درباره حروف

□ فرا: حرف اضافه و به معنی "به" و "بر"
، در"، "به سوی" است.

□ مثال: چراغ یقینم فرا راه دار.

انواع که

- “که” گاهی برای تاویل است.
- که ، به معنای بلکه : در این صورت “که” را “که” ی اضراب می گویند .
- مثال : **حسن آمد نه، بلکه علی آمد.**

انواع که

□ که، به معنای زیرا : در این صورت “که” را
“که” ی تعلیل گویند.

□ مثال : من از بیگانگان هرگز ننالم
که با من هر چه کرد آن آشنا کرد

انواع که

□ که به معنای در حالی که.

□ مثال: بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت

برآید که ما خاک باشیم و خشت

انواع که

□ که ، به معنای اگر: مثال: چه کند کز بی
دوران نرود

□ که ، به معنای چنانکه:
زدیده ام شده يك چشمه در کنار روان
که آشنا نکند در میان آن ملاح

انواع که

□ که، به معنای لیکن:

□ مثال:

ای رقیب این همه سودا مکن و جنگ نجوی
بر کنم دیده که من دیده از بر نکنم

انواع که

□ برای تفسیر و شرح و بعد از افعال گفتن، شنیدن و... و گلماتی که صریحا یا تلویحا به معانی آنهاست

□ مثال: **خاک مشرق شنیده ام که کنند**
به چهل سال کاسه جینی

انواع که

□ که برای مفاجات، یعنی برای بیان امر ناگهانی

□ مثال : او به سخن در، که در آمد غبار

کشت سَك از پرده کرد آشکار

پیشوند/ پسوند

□ واژك هايي هستند كه در اول يا آخر واژه ها مي آیند و مفهوم جديدي به آنها مي بخشد و در برخي موارد، طبقه دستوري آنها را عوض مي كنند .

پیشوندهای معروف

□ “ب” که بر ۴ گونه است

□ ب + خرد

□ ب + سرعت

□ ب + خوبی

□ ب + دست

پیشوندهای معروف

□ “با” : بر سر اسم می آید و صفت مرکب تشکیل می دهد:

□ مثال : **با هنر**

پیشوندهای معروف

□ “باز” : پیشوندی است که معنای “دوباره”
و “از نو” می دهد:

□ بازگشتن ، بازدید ، باز پرس

پیشوندهای معروف

□ بر: در موارد زیر کاربرد دارد:

□ بر داشتن

□ بر داشت

□ بر انداز

□ بر کنار

پيشوندهاي معروف

□ بي: پيشوند نفي است و بر سر کلمه ها صفت مي سازد.

□ بي گناه

□ بي ريخت

□ بي خود

□ بي همه حيز

پیشوندهای معروف

□ “در” درموارد زیر کاربرد دارد:

□ در رفتن

□ در گذشت

□ در گیر

پسوندهاي معروف

□ "۱" : بر مبالغه و تاکيد و کثرت و دادن بار عاطفي به کار مي رود ، همچون:

□ خوشا

□ بهنا

□ دانا

□ خوانا

□ بادا

پسوندهای معروف

□ “ار” : در سه مورد کاربرد دارد:

□ دیدار

□ پدیدار

□ خواستار

□ گرفتار

پسوندهای معروف

□ “آسا”: پسوند تشبیه است و صفت و قید می‌سازد.

□ مثال: نهنگ آسا

پسوندهای معروف

□ “اك” به بن مضارع فعل چسبیدن و اسم می سازد .

□ مثال : خوراك ، پوشاك

□ آگین پسوند مبالغه :

□ مثال : زهر آگین

پسوندهای معروف

□ “ان” این پسوند در موارد زیر به کار

می رود :

در آخرین مضارع می آید و صفت فاعلی می سازد .

□ مثال: لغزان ، روان

پسوندهاي معروف

□ براي نسبت پدري يا نيائي:

□ مثال: بابکان ، قبادان

□ براي ساخت قيد زمان

□ مثال: بامدادان ، ناکهان

پسوندهای معروف

□ برای نسبت به مکان و قبیله و ساختن نام مکان و سرزمین به کار می رود .

□ مثال : خاوران ، توران

□ برای ساخت اسم مصدر .

□ مثال : آینه بندان ، آشتی کنان

پسوندهاي معروف

□ اندر ، پسوندي است به معني “ نا ” و در صفت هايي مي آيد كه بر خویشاوندي نائتي دلالت دارد .

□ مثال : مادر اندر ، دختر اندر

پسوندهای معروف

- **انه** : برای تشبیه و لیاقت و نسبت به کار می رود
- **وصفت و قید می سازد** .
- **مثال : دلیرانه ، استادانه**
- **اسم می سازد** .
- **مثال : صبحانه ، عصرانه**
- **صفت و قید می سازد** .
- **مثال : ماهانه ، سالانه**

پسوندهای معروف

□ موارد کاربرد پسوند - ك :

□ برای تصغیر اسم:

□ مثال: مرغاك، شاخاك

□ برای تقلیل و تدریج در قید :

□ مثال: كم كمك ، نرم نرمك

پسوندهای معروف

□ برای تحقیر و توهین :

□ مثال : شاعرك ، مردك

□ برای تحبيب :

□ مثال : دلبرك ، طفلك

پسوندهای معروف

□ برای تشبیه

□ مثال: عروسك، شكلك

□ برای نسبت

□ مثال: ناخنك ، سنگك

پسوندهای معروف

□ برای ساختن اسم آلت

□ مثال : **غلتك**

□ برای ساختن اسم از صفت

□ مثال : **سرخك** ، **هنر كده**

میانوند

□ الفاظي که در میان کلمه های مرکب ذکر می شود .

□ مثال : سراسر ، میانوند ، کما بیش

□ برخی حروف اضافه نیز به صورت میانوند به کار می روند .

□ مثال : سر به سر ، سرتا سر

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com